



30 جون 2020

داکتر سید عبدالله کاظم

چهار پیشکش لویه جرگه 1303 به حضور شاه امان الله غازی

قبل از پرداختن به موضوع اصلی میخوایم خاطر نشان سازم: در این روزهای قرنطین که مجبورم در خانه بمانم و از دیدار همیشگی با دوستان محروم میباشم، خوشبختانه با یک رفیق دمساز و همیشگی خود یعنی کتاب بیشتر از هر وقت دیگر همراه و همساز شده ام. با استفاده از این فرصت کوشیدم یک تعداد کتابهای خود را که چند سال قبل نوشته و آنها را به سلسله در وبسایت وزین افغان جرمن آنلاين به نشر سپرده بودم، با مرور مجدد و اضافات جدید به حیث کتاب مستقل آماده چاپ سازم، پیش از آنکه شخصی آنها را قسماً و یا کلاً بنام خود چاپ نماید؛ چنانچه همین کار در مورد باز نویسی کتاب معتبر و مهم تاریخی "رویداد لویه جرگه 1303 دارالسلطنه" صورت گرفته است. (در این مورد لازم به تذکر است که به کمک دو همکار محترم کتاب مذکور را قبلاً باز نویسی کرده و به تقریب نود و هفتمین سالگرد استقلال کشور به سلسله در 28 قسمت از 10 اگست تا 21 سپتمبر 2016 در آن وبسایت وزین به نشر رسانیدم، اما چندی قبل اطلاع حاصل کردم که محترم جناب استاد حبیب الله رفیع به دلیل اینکه گویا از نشر آن قبلاً اطلاع نداشته، آنرا باز نویسی و به حیث یک کتاب در کابل چاپ کرده است.)

خوشحالم که در این سه ماه قرنطین توانستم سه کتاب دیگر خود را هریک تحت عنوان: "بررسی تحلیلی و تاریخی معاهده آب دریای هلمند بین افغانستان و ایران"، "اسرار نهفته شهادت امیر حبیب الله خان سراج الملت والدین" و "نگاهی مختصر به تاریخچه لویه جرگه ها در افغانستان" که همه قبلاً در افغان جرمن آنلاين اقبال نشر یافته اند، با اضافات جدید برای چاپ به حیث کتابهای مستقل آماده چاپ ساخته و به مجرد شروع کار مطبوعه نخست در امریکا و سپس به خواست خدای بزرگ در افغانستان به طبع خواهم رسانید.

پس از تذکر ضمنی فوق می آیم بر سر موضوع اصلی: در همین یکی دو روز ضمن مرور بعضی مطالب بار دیگر نظرم بیک موضوع بسیار مهم در قسمت اخیر کتاب "رویداد لویه جرگه 1303 دارالسلطنه" افتاد و آن بیانات بسیار مهم تاریخی شاه امان الله غازی بود که در مجلس اختتامیه لویه جرگه هنگامی ابراز کرد که لویه جرگه برای قدرانی از این پادشاه خدمتگار واقعی مردم و وطن چهار موضوع را پیشکش حضور کردند و اما اعلیحضرت با استدلال محکم و احساس عالی از قبول بعضی آن ابا ورزید و نکاتی را بیان کرد که در تاریخ کشور هیچ پادشاه و امیر دیگر با چنین شهامت بیان نکرده بود. خواستم این رویداد بس مهم را با دوستان علاقمند تاریخ در میان بگذارم تا کسانی که تاحال از آن اطلاع ندارند، آگاه شوند و به نام نامی این بزرگمرد تاریخ کشور افتخار کنند.

مقدمتاً راجع به لویه جرگه 1303 باید گفت: مراحل اولی این لویه جرگه در قصر سلام خانه ارگ در کابل برگزار گردید، سپس بروز دوشنبه 22 سرطان همه به پغمان رفتند و لویه جرگه از شروع تا ختم در آنجا ادامه یافت که در دو روز اول (25 و 26 سرطان) ملاقاتهای تعارفی هیئت با پادشاه و بروز جمعه (27 سرطان) پس از ادای نماز جمعه، لایحه نظمیة مجلس مشتمل بر نظام مباحثه، چگونگی رأی گیری، قواعد و ضوابط مجلس و غیره مطرح شد. بروز پنجشنبه 30 سرطان 1303 ش اولین اجلاس

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

لویه جرگه با حضور 1054 نماینده رسماً با نطق اعلیحضرت آغاز گردید، درحالیکه شاه امان الله غازی در طول جلسات همیشه حاضر مجلس بودند و در مباحثات اشتراک فعال داشتند، لویه جرگه پس از 11 روز مباحثات دوامدار از صبح تا عصر بتاریخ پنجشنبه 9 اسد به پایان رسید. متعاقباً جریان مباحثات این لویه جرگه تاریخی در کتاب "رویداد لویه جرگه دارالسلطنه 1303" بوسیله "تیزنویسان" تهیه و به اهتمام مولوی برهان الدین کشکی در یک کتاب قطور یک ماه بعد در کابل به چاپ رسید. نوشته ذیل از صفحات 406 تا 417 کتاب مذکور با کمی اختصار برگرفته شده است:

روز دوشنبه 6 اسد برای امضای تعدیلات و مصوبات اختصاص یافته بود که همه اعضای لویه جرگه باید درپای اسناد مرتبه امضاء و مهر نمایند و در این روز اعضای لویه جرگه در مجموع جهت امتنان از اشتراک در لویه جرگه و الطاف پادشاه معروضه خویش را بحضور اعلیحضرت قرائت کردند، به این عبارات:

«به توجه شریعت پروری شهریار ذی اقتدار غازی مان اعلیحضرت امیرالمومنین امان الله خان تولواک افغانستان خلدالله ملکه مجلس لویه جرگه که عبارت از علماء و سادات و مشائخ عظام و وکلاء و رؤسای کرام کل مملکت محروسه مان افغانستان بغرض تحقیق و تدقیق در امور شرعی حنفیه و مسائل جزئی و کلیه فقهیه مطهره و انجاح و بهبود مهمات ملکیه و سیاسیه در مرکز دولت علیه متبوعه مان دارالسلطنه کابل تحت ریاست اعلیحضرت پادشاه غازی معظم مان منعقد گردیده و در تحت نظر غور و تدقیق مجلس عالی لویه جرگه در آمد، مخصوصاً مهمات شرعی مبارکه که در نظامات دولت دخل داده شده بود، از نظر عموم ما علما و مشائخ لویه جرگه گذارش یافت. ما خادمان و پیروان دین مبین متین اسلام فرمایشات و نیات و نظریات پادشاه محبوب القلوب خود مان را یگان یگان [نکته به نکته] بگوش خود ها شنیده و بچشم خود ها مشاهده نموده قلباً احساس کردیم که عموم نظامات موضوعه دولت مستند بر اساس شریعت غرای محمدی (ص) و اجرای احکام قرآن مطابق مذهب مذهب حنفی بوده و هست و میباشد و بعضی روایات ضعیفه که در نظامات دولت مطابق آرا و فتوای علمای مرکزیه قبلاً فتوی داده شده در محل اجراء آمده بود، آن گونه مسائل نتیجه روایات ضعیفه بود که از طرف علماء تجویز گردیده بود و ما علمای لویه جرگه آن مسایل را مطابق احکام شرعی حنفیه و روایات قویه فقهیه اصلاح نمودیم که هیچگونه شبهه در قلب و خاطرهای عموم ما علمای افغانی باقی نمانده و مسائل مشتبه را در ذیل اعلان هذا تذکار نمودیم تا باعث اطمینان کلیه خاطرها و قلوب عموم اسلامیان شود و ما علماء، سادات، مشائخ، وکلاء، رؤسا و عموم برادران دین و اسلامی خود مان را اخبار مینمائیم که هر فردیکه بر خلاف حکومت و دولت معظمه و یا نظامات موضوعه دولت علیه مان به تشبثات خائنانه و یا غرضات شخصیه بالذات و یا تحریکاً اقدام نماید، اولی الامر در اجرای هر گونه مجازات از حبس و ضرب و نفی الی اعدام در باره اش شرعاً مأذون و مختار است و ما عموم علماء، سادات، مشائخ، رؤسا و وکلاء برای رفع و دفع آنگونه خائنانه که لکه در تاریخ حیات با شان و شرف ما افغانیان میگذارند، بهر گونه فداکاری حاضر و آماده بودیم و هستیم و میباشیم.»

در پایان این بیانیه اعضای لویه جرگه چهار مقصد آتی را پیشنهاد کردند و از حضور اعلیحضرت خواهش قبولی آنرا نمودند:

1 - تحفه دعاست از طرف ما داعیان دین و دولت اسلامی که الهی بعزت بزرگی خود و حرمت روح پرفتوح حضرت خاتم النبیین صلعم، سلطنت اسلامیه غیوره افغانستان را بزریرلوی شریعت غرای محمدیه و امر اولی الامر معظم مان المجاهد فی سبیل الله الغازی امان الله خان از جمیع دست بُرد

حوادث اجانب و اغتشاشات و اضطرابات داخلی مصئون و مامون داشته همه وقت مشفق و متحدمان بدارد. آمین یا رب العلمین. [دعائیه]

2 - بیدارگان عقد این مجلس اسلامی عالی، لویه جرگه یک نشان دیشان [که] توثیق عهد است موسوم به "لویه جرگه" را برای حسن خدمت در راه شریعت و مملکت که اولی الامرغازی مان ابراز فرموده اند، از طرف ملت صادقاً شاهانه شان تقدیم مینماید تا که ذات شاهانه هر زمان که نشان موصوف را بسینه بی کینه مبارک خویش نصب نمایند، یادگار خدمات مجاهدانه شاهانه شان در راه دین و دولت و مظهر اطاعت و صداقت و وفاداری و عهد ما نسبت ذات شاهانه بوده سبب شرف و افتخار ما باشد. علاوه لویه جرگه یک میل تفنگ و یک قبضه شمشیر را نیز بحضور مبارک تقدیم مینماید تا ذات شاهانه برای حفظ دین و منافع مملکت مقدسه اسلامیة بمقابل غاصبین حقوق بشریت و انسانیت به استعمال آن شرف اسلامیة و شجاعت افغانیت را ابراز نمایند.

3 - چون لفظ امیر در شریعت و در عرف گاه برای شخصیکه زیر حکم پادشاه باشد مثل امیر عسکر و امیر الجیش و امیر السریه و گاه در باره پادشاه کلان که زیر حکم دیگر نباشد، مثل امیرالمؤمنین استعمال میشود، جهت دفع این توهّم که آیا دولت ما زیر حکم است، خدا خواهد الحمدلله سلطنت افغانستان دارای استقلال داخلی و خارجی بوده یک دولت معظم و مستقل آزاد است، لهذا ما ملت افغانستان امیدواریم که لفظ امیر بلفظ امیرالمؤمنین (تول و اک) که پادشاه گفته شود، تبدیل یافته عموم ملت افغانستان بعوض الغازی امیرامان الله، الغازی امیرالمؤمنین تول و اک امان الله بگویند.

4 - چونکه اعلیحضرت پدر شهید سعید و اعلیحضرت جد امجد مرحوم شما از طرف ملت به القاب سراج الملت و الدین و ضیاء الملت والدین ملقب بودند، "لویه جرگه" تمنا میکند که اعلیحضرت غازی مان ملقب به "سیف الملت والدین" شوند و این لقب را از طرف لویه جرگه قبول فرمایند.»

اعلیحضرت در برابر این چهارخواست اعضای لویه جرگه فرمودند: «این چهار چیز را که برایم پیش میکنید، در جواب هر کدام آن یکایک عرض میکنم: دعای را که برای آبادی ملت و مملکت خود بعمر من عاجز کرده اید، حق تعالی قبول بگرداند و خداوند اینطور عمر مرا ندهد که بی آسایش شما یک نفس بکشم. خدایا! مرا توفیق اینطور خدمتها را بدهی که در عمر خود ترقیاتی را حاصل کنم تا عالم اسلام و قوم من در آسایش باشد. اگر من زنده باشم یا نباشم، شما ملت عزیزم که مرا بدین نظر لطف و مرحمت می بینید و باینطور یک نشان دیشان که در تمام دنیا هیچیک ملت برای پادشاه خود نداده است، ممتاز و سر فرازم میسازید، تشکر میکنم. اما نشان را چکنم! بس است نشان بهبودیها و ترقیات شما که بر دل من است، نه تنها در حیات من بلکه در زیر خاک هم بر سینه من این نشان شما خواهد بود. پیشتر عرض کردم "جنونی گر کنم ای صاحبان عقل معزورم"، اگر چه از ادب دور است، اما معذورم دارید. بعضی از شما خواهید گفت که نشان ما را از بی پروائی و بی اعتنائی قبول نمیکند، نی! تاجی را که شما ملت بخاندان ما از یک خوشه گندم داده اید و تا به امروز اولاده همان خاندان سلطنت کرده اند، بر آن فخر میکنند. فقط بشرف عسکری خود سوگند میخورم، خدماتی را که برای شما آرزو دارم، هزار یک آنرا تا هنوز نکرده ام. هر وقت که خدمتی بشما ملت و این مملکت خود کردم باز خود میگویم که مستحق فلان نشان هستم. حال محبت شما برای من نشان است والله اگر این نشان از یک آفتاب مجلل میبود، آنقدر خوش نمیشدم که ازین جوش و خروش شما امروز خوش شدم.

دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی ++++ دیوانه تو هر دو جهان را چکند

د پانو شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

من دیوانه ترقیات شما هستم. من مجنون تعالیات تان میباشم. والله بذات اقدس الهی قسم است که دیگر آرزوی ندارم، مهربانی کرده مرا از گرفتن نشان معاف کنید و بچشمهای گریه پر و اشک ریزم نظر کرده، اضافه برین تکلیف گرفتن او را بمن نکنید. اگر چه از ادب دور است، لکن من بشرف عسکری خویش که خود را یکفرد عسکر میدانم، قسم خوردم که درین اظهارم ناز و تکلف نمی نمایم.

آمدیم بلقی که لویه جرگه بمن ارزانی میفرماید، آیا بنام من عاجز اسم حضرت الهی شامل باشد، خوب است و بدان خورسند و ممنون باشم و یا به "سیف"؟ در وقتیکه من طفل بودم و هیچ فکرم به امن و امان نبود، نامم از زبان جد امجدم "امان الله" نهاده شده است، دیگر لقبی را که خداوند از لطف و مرحمت خود به من مهربانی فرموده "غازی" است. در اول سلطنت، من نیز بقبول نمودن " شمس الملت والذین" و "سیف الملت والذین" تکلیف شدم، اما گفتم که قبول کرده نمیتوانم. خدمت شما صادقانه عرض میکنم که "امان الله" خدمتگذار شما و خادم اسلام است! و خیلی دوست دارم که تا آخر عمر خود بنام " بنده عاجز الله" یاد شوم و در خاک "الله، الله" گفته بروم. تنها این لقب غازی را که خدا بمن اعطا و ارزانی فرموده است، کفایت میکند. اگر شما میگوئید که اعلیحضرت امیرمرحوم و اعلیحضرت شهید چرا القاب را قبول کرده بودند، عرض میکنم، البته اونها آنرا لازم دیده باشند، خودم هیچیک خدمتی نکرده ام که تقدیر کرده شود و یا سزاوار این نام باشم. باز اگر خدمتی کرده باشم بمقابل آن امروز این صدا های ملت که از هر گوشه و کنار بگوشم میرسد، کفایت میکند. تشکر میکنم این بار گران را بگردنم نیندازید.

جوهر مرد به تقلید نگردد حاصل ++++ مخترع شو که دیگرها بتو تقلید کنند

من نمیخواهم که در هر کار تقلید کنم، فقط در اسلامیت تقلید میکنم و بس! همین قدر که گفتید کافی است. آنچه در باب امیر المؤمنین غازی امان الله تولوک فرمودید، خوب میدانم که در افغانی تولوک گل اختیار را میگویند. هر وقتیکه زبان افغانی [پشتو] بهمه نقاط مملکت افغانستان و در بین مامورین ما رواج یافت، البته خودم نیز بقبول کردن آن حاضرم.

امیر المؤمنین: آیا خلفای راشده (رض) امیر گفته نمیشوند؟ میشوند! آیا آنحضرات بزیر حمایه احدی بودند؟ نی! خاندان ما بهمین دلیل امیر یاد شده اند. حالا شما مختارید که این خادم اسلام را "امیر" میگوئید یا "امیرالمجاهدین" یا "امیر غازی" یا "خادم اسلام" هر چه بگوئید خوب است. هیچ پروائی ندارم. اینهمه از محبت شما است، لکن خودم خود را نسبت بشما خوب میشناسم. بخیال من اگر مرا "امیر امان الله" بگوئید خوب است تا زمانیکه یک خدمت شایان تقدیر و قابل تحسین برای شما ملت و عالم اسلام ابراز کنم. فقط وقار و عزتم در آبادی و بهبودی شما است و بس!

نه از دنیا غمی دارم که عقبی است در پیشم
جنون خدمت خویشم، ازین پس کوچه ها دورم

در خصوص شمشیر: قانوناً و شرعاً و عقلاً شما را ملامت میکنم و قبول کرده نمیتوانم، چرا این شمشیر شما از طلاست و بعضی دانه های الماس هم دارد. فقط برای پاس خاطر و خوشنودی تان همین تفنگ را قبول میکنم و با شما عهد میکنم که در اثنای محاربه اگر سرم برود، در پهلو این تفنگ خواهد بود. تا اولاً سر خود را در راه خدمات شما ملت ندهم، این تفنگ را بدشمنان نخواهم داد.

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولۍ

باقی چیزهای شما را منظور می‌کردم، لکن بنابر دلایلی که عرض کردم، قبول کرده نمیتوانم. باقی خاتمه کلام خود را بدعای ترقی و تعالی عالم اسلام مخصوصاً افغانستان نموده می‌گویم (الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله الله اکبر الله اکبر و لله الحمد)»

با آنکه اعضای لویه جرگه چند بار خواهش خویش را مکرراً بیان کردند و اما اعلیحضرت با ابراز ممنونیت از آنها و با این سخنان مجلس لویه جرگه را پایان بخشید: «عزیزانم! پیشترگفتم اگرچه خلاف ادب و خلاف تعظیم است، بیخودانه عرض میکنم که علاوه برین نمیخواهم درین خصوص مرا تکلیف دهید و یا چیزی بگوئید. من آرزوی بهبودی و ترقیات شما را که برای این خادم تان نشان حقیقی است، دارم. درینوقت همین حسیات صادقانه و کلمات اخلاصمندانانه شما را برای من، نشان بلکه بالاتر از آن است، زیاده تکلیف ام ندهید. باقی همه شما را امروز رسماً وداع میکنم و از خدای خود امید دارم که در آینده روشن کننده افکار عموم افغانستان و عالم اسلام، شما باشید و از افکار عالی شما عموم عالم اسلام علی الخصوص افغانستان ترقیات فوق العاده را که در آن رضا و خوشنودی حضرت الهی باشد، بدست بیاورد. غیر خوشنودی حضرت الهی دیگر چیزی را نمیخواهم، شما را به خدا سپردم تا بخیر و عاقبت به خانه های خود بروید.»

اعضای لویه جرگه با این دعائیه که: «شما را هم به خدا می سپاریم. دشمنانت در هر دو جهان خوار و مضطر [بیچاره] باد برب العباد!» (برای شرح مزید درباره مراتب امتنانه لویه جرگه و همچنان ارائه چهار خواهش فوق الذکر و اصرار اعضای لویه جرگه بر قبولی آن از طرف اعلیحضرت، دیده شود کتاب: "رویداد... از صفحه 406 تا 417)

درپایان این نوشته قابل ذکر میدانم که تمام بیانات اعلیحضرت در لویه جرگه بطور آزاد و بدون کاغذ و یادداشت ابراز گردیده و از ورای بیانات او میتوان به قدرت کلام، رعایت باریکی ها، معلومات همه جانبه او چه در مسائل دینی و چه در امور سیاسی و تاریخی و نیز آگاهی از اوضاع جهان به خوبی پی برد، طوریکه باز هم باید گفت که درطول تاریخ کشورتاحال هیچ پادشاه، امیر و سلطان دیگر به همچو اقدام مبادرت نورزیده که در جمع بیش از هزار نفر علما و صاحبان فضل و دانش به پا ایستد و در طول 9 روز مباحثات گرم و داغ حکیمانه درهمورد سخن گوید و از نقاط نظر دولت با صراحت دفاع کند. (اینکه شرایط حاکم و موجودیت علمای محافظه کار او را مجبور به عدول از بعضی نصب العین های مترقی دراین لویه جرگه ساخت، موضوع بحث دیگر است). لذا این کمترین به همین دلیل کوشیده تا مجموعه بیانات ارزشمند شاه غازی را که درطول این لویه جرگه ایراد فرموده بودند، قبلاً به حیث یک کتاب تهیه و آنرا در آرشیف افغان جرمن آنلاین محفوظ دارد که البته در نظر است در فرصت مساعد انشاء الله آنرا در یک مجلد جداگانه با دیگر بیانات تاریخی ایشان به حیث یک کتاب مستقل به چاپ برساند.

روح این پادشاه عادل و خدمتگار راستین وطن و مردم شاد و یادش برای همیشه گرامی بادا!